



جامع شیخ بهائی

مجله داخلی دانشگاه شیخ بهائی - فرهنگی دانشجویی - ویژه نامه مرد میهن - دی ماه ۹۹

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ



ویژه نامه سالروز شهادت سردار سلیمانی
و بزرگداشت روز شهدای دانشجوی



بسم الله الرحمن الرحيم



مجله جامع شیخ بهائی ویژه نامه مرد میدان

(به مناسبت سالروز شهادت سردار سلیمانی و بزرگداشت روز شهدای دانشجو)
دیماه ۱۳۹۹

تهیه و تنظیم: امور فرهنگی، بسیج اساتید و کارکنان دانشگاه شیخ بهائی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	سخن آغازین.....
۳	زیارت نامه حضرت فاطمه زهرا(س).....
۵	زندگی نامه ی شهید سردار قاسم سلیمانی
۱۲	وصیت نامه شهید سردار قاسم سلیمانی.....
۱۹	۱۶دی روز بزرگداشت شهدای دانشجو.....
۲۰	حماسه هوپزه.....
۲۳	زندگی نامه ی شهید علم الهدی.....



سخن آغازین

شهادت بی‌گمان تنها چیزی بود که لایق و شایسته سردار حاج قاسم سلیمانی بود. کسی که حتی نامش هم لرزه به جان دشمن می‌انداخت تا اینکه مظلومانه او را فرسنگ‌ها دور از وطن در غربت با پهباد به درجه رفیع شهادت رساندند.

سال‌ها امنیت یک کشور به دست پرتوان و جهاد خالصانه سردار سلیمانی برقرار شده بود و با وجود این بزرگمرد ایرانی بود که هیچ‌کس را یاری نزدیک شدن به ایران نبود. امروز نیز با رفتن سردار شهید قاسم سلیمانی میلیون‌ها قاسم سلیمانی زاده شده و همگی پشت در پشت همدیگر امنیت این کشور را برقرار می‌سازند. پس نباید دشمن به شهادت رساندن یک فرمانده ایرانی آن هم در مرزهای دور از ایران با آن همه تجهیزات و بالگردهای هوایی خویش به خود بنازند. اگر مرد میدان باشند، باید وارد این گوی و میدان شوند و با میلیون‌ها سردار سلیمانی مبارزه کنند.

حاج قاسم سلیمانی را اگر نمی‌شناسید؛ باید بدانید که او بزرگمردی بود که نامش لرزه به تن هر دشمنی می‌انداخت و باعث وحشت آنان می‌گشت. همان کسانی که هیچ‌گاه به خود اجازه ندادند، سردار ایرانی را در داخل مرزهای جمهوری اسلامی مورد هدف قرار دهند. چرا که نام این بزرگ مرد چنان وحشتی به جان جهانیان و دشمن خون‌خوار ایران و ایرانی انداخته بود که چنین جرأتی را هیچ‌گاه از خود بروز ندادند.

همه ما ایرانی‌ها درس ایستادگی و صبر و استقامت را باید از سردار حاج قاسم سلیمانی یاد بگیریم کسی که مظهر استقامت و جسارت است و با حضور سبز خود همواره کابوسی برای جهانیان بوده است و اینک نیز این کابوس برای دشمنان اسلام همه‌گیر شده است و باید بدانند که تا دم مرگ رویای خواب شیرین را برای همیشه از آن‌ها خواهیم گرفت و هرگز اجازه نخواهیم داد لحظه‌ای دشمن آرام و قرار گیرد تا بتوانید انتقام خون او را بگیریم.

از این بعد بایستی بزرگترین تندیس ایرانی را به عنوان نماد ایران بزرگ و عظیم، به نام سردار حاج قاسم سلیمانی ساخت و طراحی کرد تا چهره معصوم و مقتدر این سردار ایرانی تا ابد در یاد و دل‌های ما ایرانی‌ها زنده و مانا گردد.



زيارتنامه حضرت فاطمه زهرا (س)

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا مُمْتَحَنَةَ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَتَى (أَتَانَا) بِهِ وَصِيُّهُ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِنَّ كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقَّنَا بِتَصَدِّيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوِلَايَتِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خُلُقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَ خَيْرِ الْخُلُقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْصُوبَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضِيَّتِ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَ أَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَنْ أَذَاكَ فَقَدْ أَذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِأَنَّكَ بِضْعَةٌ مِنْهُ وَ رُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ كَمَا قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَشْهَدُ اللَّهُ وَ رُسُلُهُ وَ مَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَتْ عَنْهُ سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَتْ عَلَيْهِ مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَ حَسِيباً وَ جَازِياً وَ مُثِيباً



به نام خداوند بخشنده مهربان

ای آنکه خدایی که تو را خلق کرد پیش از خلقت بیازمود و در آن آزمایش بر هر گونه بلا و مصیبت تو را شکوبا و بردبار گردانید و ما چنین پنداریم که دوستان شما هستیم و مقام بزرگی شما را تصدیق می کنیم و بر هر دستور و تعلیمات الهی که پدر شما و وصیتش که درود حق بر او و آتش باد برای ما آورد صبور و مطیع خواهیم بود پس ما درخواست می کنیم هرگاه که مصدق و مؤمن به شما هستیم که ما را بواسطه این تصدیق به رسول و وصیش خدا به شما ملحق فرماید تا به ما مژده رسد که بواسطه دوستی شما ما را از گناهان پاک سازد و مستحب است نیز آنکه بگوید سلام بر تو ای دختر رسول خدا سلام بر تو ای دختر پیغمبر خدا سلام بر تو ای دختر حبیب خدا سلام بر تو ای دختر دوست خاص خدا سلام بر تو ای دختر بنده خالص خدا سلام بر تو ای دختر امین خدا سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا سلام بر تو ای دختر بهترین پیغمبران و رسولان و فرشتگان خدا سلام بر تو ای دختر بهترین خلق سلام بر تو ای سیده زنان عالم از اولین و آخرین سلام بر تو ای زوجه ولی خدا (امیر المؤمنین) و بهترین تمام خلق بعد از رسول خدا سلام بر تو ای مادر حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای صدیقه طاهره که به راه دین شهید گردیدی سلام بر تو ای آنکه خدا از تو خوشنود و تو از خدا خوشنودی سلام بر تو ای صاحب فضیلت و پاکیزه صفات سلام بر تو ای انسیه حوراء سلام بر تو ای ذات متقی پاک گوهر سلام بر تو ای آنکه به الهام خدا دانا بودی سلام بر تو ای مظلوم (و دارای عصمت) که حق تو را غصب کردند سلام بر تو ای ستم کشیده و مقهور دشمنان دین سلام بر تو ای فاطمه دختر رسول خدا و رحمت و برکات حق بر تو باد درود خدا بر تو و بر جسم و جان تو باد گواهی می دهم که چون تو از جهان رفتی با مقام یقین و دلیل روشن از جانب پروردگار بودی و هر که تو را مسرور و شاد ساخته رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد را شاد ساخته و هر که در حق تو جفا و ظلم کرد به رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد ظلم و جفا کرده و هر که تو را آزرده کرد رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد را آزرده است و هر که به تو پیوست به رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد پیوسته و هر که از تو بریده از رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد بریده است زیرا تو پاره تن پیغمبر و روح مقدس آن بزرگواری خدا را گواه می گیرم و رسول او و فرشتگان را که من از آنکس راضیم که شما از او راضی هستید و خشمگینم از هر که شما از او خشمگین هستید بیزارم از آنکه شما از او بیزارید دوستم با آنکه شما با او دوستید و دشمنم با هر که شما با او دشمنید ناراضیم از هر که شما از او ناراضی هستید و محبوب من است هر که محبوب شماست و بر صدق گواهی من خدا کافی است که گواه و محاسب و جزا دهنده و ثواب بخشنده است.



زندگی نامه‌ی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

تولد

شهید حاج قاسم سلیمانی ۲۰ اسفندماه سال ۱۳۳۵ در روستای قنات ملک از توابع رابر کرمان در یک خانواده کارگری چشم به جهان گشود. ۱۱ سال بیشتر نداشت که پس از پایان تحصیلات ابتدایی به کرمان رفت. پس از اخذ دیپلم به شغل بنایی مشغول شد و بعدها فعالیت خود را به عنوان پیمانکار در اداره آب کرمان آغاز کرد.

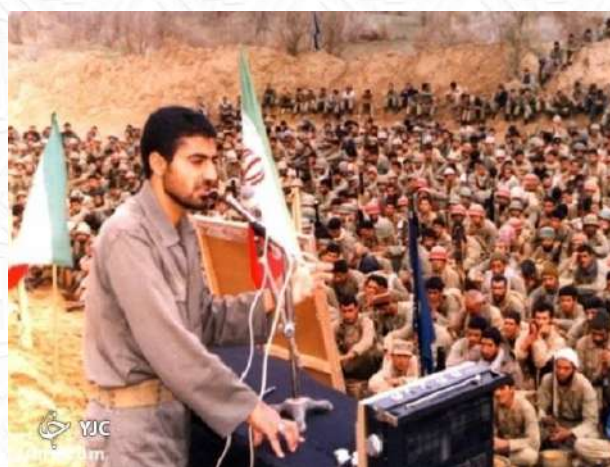
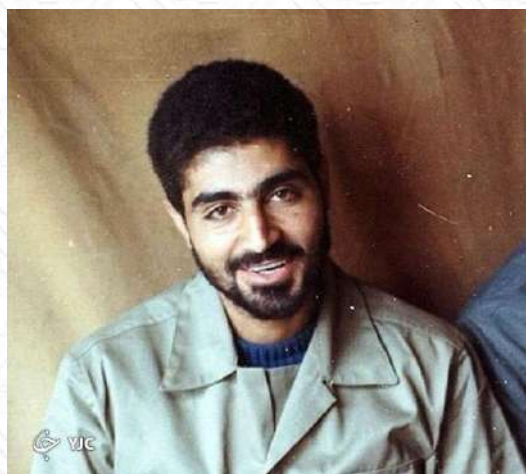


دوران جوانی و پیروزی انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ همزمان با پیمانکاری در اداره آب کرمان به صورت افتخاری به عضویت سپاه کرمان درآمد. پیش از آغاز دفاع مقدس و با شورش کردها به مناطق غرب کشور رفت. در حوادث انقلاب اسلامی ایران با روحانی مشهوری به نام رضا کامیاب آشنا شد که او را وارد جریان انقلاب کرد. سهراب سلیمانی برادر شهید می‌گوید که او یکی از گردانندگان اصلی راهپیمایی‌های کرمان در زمان انقلاب بود.

آغاز دفاع مقدس

هنگامی که عراق در سال ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد، حاج قاسم سلیمانی چندین گردان از کرمان را آموزش داد و به همراه آن‌ها راهی مناطق عملیاتی جنوب کشور شد. او حتی در دوره‌ای فرماندهی سپاه آذربایجان غربی را نیز برعهده داشت. با خاتمه یافتن شورش کردها به کرمان بازگشت و فرمانده پادگان قدس سپاه کرمان شد. تاسیس لشکر ثارالله و نخستین فرمانده این لشکر





اواخر سال ۱۳۶۰ سردار سرلشکر پاسدار محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران طی حکمی سردار سلیمانی را به فرماندهی تیپ ثارالله منصوب کرد. او بسیار زیرک بود و با استفاده از همین ویژگی در عملیات‌های مختلفی همچون والفجر ۸، کربلای ۱، کربلای ۵، تک شلمچه و چندین عملیات دیگر بسیار موفق عمل کرد که حاصل آن کارنامه‌ای درخشان در این دوران بود.



مبارزه با اشرا و قاچاقچیان

سردار حاج قاسم سلیمانی پس از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ به کرمان بازگشت و درگیر جنگ با اشرا شد که از مرزهای شرقی ایران هدایت می‌شدند. او تا قبل از انتصاب به فرماندهی سپاه قدس، با باندهای قاچاق مواد مخدر در مرزهای ایران و افغانستان می‌جنگید.

نیروی قدس سپاه و انتخاب به عنوان دومین فرمانده این نیرو

سردار حاج قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۹ با حکمی از سوی آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب پس از سردار احمد وحیدی به عنوان دومین فرمانده این نیرو انتخاب شد. او در این نیرو فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه تقویت و گسترش فعالیت‌های محور مقاومت داشت. در واقع این فعالیت‌های سردار سلیمانی در کنار شهید عماد مغنیه بود که سبب قدرتمندتر شدن این نیرو و ناکامی رژیم صهیونیستی در رسیدن به اهداف خود در خصوص فلسطین و همچنین لبنان شد.





ارتقا به درجه سرلشکری توسط فرمانده کل قوا

سال ۱۳۸۹ بود که سردار سرتیپ پاسدار حاج قاسم سلیمانی به جهت خدمات فراوان خود از سوی آیت الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا و رهبر انقلاب اسلامی با یک درجه ارتقاء به درجه سرلشکری رسید.



حضور در عراق، سوریه و مبارزه با داعش

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی شخصیتی بسیار برجسته در جبهه مقاومت و از یادگاران دوران دفاع مقدس بود. هنگامی که خبر شهادت او در رسانه‌های اعلام شد شاید بسیاری از مردم هنوز باورشان نمی‌شد که چنین اتفاقی رخ داده است، او چهره درخشان و برجسته محور مقاومت به ویژه در دوران مبارزه با شجره خبیثه ملعونه داعش بود. این شهید بزرگوار توانست جبهه مقاومت را در سراسر جهان تشکیل دهد و به همین دلیل هم آمریکا و صهیونیست‌ها و همه کفار مخالف سردار سلیمانی هستند.

فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله در دفاع مقدس، سازمان‌دهنده نیروهای حزب الله در جنگ ۳۳ روزه لبنان و فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران و کابوس داعش و جبهه‌النصره و دار و دسته‌شان امروز هدف اقدام تروریستی دولت آمریکا قرار گرفته است. واکنش‌ها به شهادت سرلشکر سلیمانی که برای بسیاری همچنان همان «حاج قاسم» سال‌های جنگ بود در ۶۳ سالگی و پس از نزدیک به چهار دهه مبارزه بی وقفه نشان از محبوبیت کمیاب یک چهره نظامی داشت.





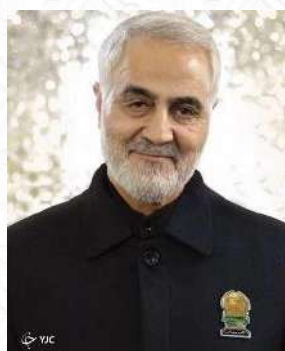
داعش و نقش مخرب آن در غرب آسیا

هنگامی که داعش در سال ۲۰۱۱ میلادی پیشروی‌های خود را در مناطق عراق و سوریه آغاز کرد؛ این سردار سلیمانی بود که با حضور خود در این مناطق و با تشکیل جبهه مقاومت کمر یزیدیان زمان را شکست. دولت اسلامی عراق در آن زمان عملیات‌های تروریستی زیادی را در عراق پایه‌ریزی کرد؛ بعد از دستگیری «ابوعمر البغدادی»، ابوبکر البغدادی در سال ۲۰۱۰ میلادی به عنوان سرکرده این گروه تروریستی تعیین شد؛ همزمان با



آغاز بحران در سوریه، عناصر گروه تروریستی دولت اسلامی عراق فعالیت‌های خود در سوریه را آغاز کردند و شاخه این گروهک در عراق با نام «جبهه النصره لاهل الشام» تشکیل شد و در نهایت در سال ۲۰۱۳ ابوبکر البغدادی در پیامی صوتی ادغام «جبهه النصره» و «دولت اسلامی در عراق» را اعلام کرد تا گروهک تروریستی داعش دولت اسلامی در عراق و شام تشکیل شود. داعشی‌های تروریست خیلی زود و در اوائل سال ۲۰۱۴ با انجام عملیات‌های تروریستی و کشتار بی‌رحمانه مردم وارد شهر فلوجه در استان الانبار عراق شدند و پس از آن نیز در شهرهای مختلف این کشور تحرکاتی را انجام دادند.

خرداد سال ۱۳۹۳ تروریست‌های داعش که از حمایت دشمنان استقلال عراق و منطقه غرب آسیا برخوردار بودند، به مرکز استان نینوی در عراق یعنی موصل حمله و فقط در چند ساعت این شهر را تصرف کردند. سردار سلیمانی با تشکیل محور مقاومت با نیروهایی مانند جنبش النجباء و کتائب حزب الله و همچنین حشدالشعبی در عراق و گروه‌هایی نظیر بسیج مردمی سوریه و اتحاد آنها با مدافعان حرم از ایران و تیپ فاطمیون و زینبیون در مقابل داعش ایستادگی کرد و در نهایت با رشادت‌های فراوان در حالی که به گفته بسیاری از فرماندهان نظامی داعش تا پشت دروازه‌های کاخ ریاست جمهوری سوریه رسیده بودند و هیچ کس فکر نمی‌کرد که دیگر امیدی به شکست داعش باشد؛ سردار سلیمانی به همراه مدافعان حرم ایستاد و مانع از گسترش و ظهور بیشتر داعش در منطقه غرب آسیا شد. در نهایت در سی ام آبان ماه سال ۹۶ بود که سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه در نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب پایان رسمی حکومت گروه تروریستی داعش را اعلام کرد. این اتفاق مهم با پایین کشیدن پرچم داعش در شهر بوکمال سوریه نهایی و به همگان نیز اعلام شد. در واقع این وعده صادقی بود که در آخرین روزهای تابستان همان سال هم از سوی فرمانده نیروی قدس سپاه در مراسم اربعین یکی از فرماندهان جبهه مقاومت شهید «مرتضی حسین‌پور» در گلزار شهدای شلمان لنگرود هم از سوی او اعلام شد.



حاج قاسم سلیمانی خادم حرم ثامن الحجج حضرت رضا (ع)

او در تیرماه سال ۹۳ با حکم حجت الاسلام رئیسی تولیت آستان قدس رضوی (ع) مفتخر به خادمی حضرت امام رضا (ع) شد.

دریافت نشان ذوالفقار از دست فرمانده معظم کل قوا

حضور موثر سردار سلیمانی در صحنه مبارزه با داعش و شکست این گروهک ضاله باعث شد تا حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب نشان نظامی ذوالفقار یعنی بالاترین نشان نظامی ایران را به او اعطا کند. طبق آئین نامه اهدای نشان های نظامی جمهوری اسلامی ایران، این نشان به فرماندهان عالی رتبه و رؤسای ستادهای عالی رتبه در نیروهای مسلح اهدا می شود که تدابیر آنها در طرح ریزی و هدایت عملیات های رزمی موجب حصول نتایج مطلوب شده باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سردار حاج قاسم سلیمانی نخستین کسی است که این نشان را دریافت کرده است. البته سردار سلیمانی تا پیش از دریافت این نشان سه نشان فتح را هم از دستان فرمانده معظم کل قوا دریافت کرده بودند.





شهادت و دیدار معبود

سردار سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی پس از عمری مجاهدت سرانجام توسط موشک‌های لیزری پهپاد آمریکایی در بامداد روز ۱۳ دی ماه امسال به همراه شهید ابومهدی المهندس نائب رئیس حشد الشعبی، سردار پورجعفری رئیس دفتر شهید سلیمانی، شهید وحید زمانی نیا و شهید هادی طارمی و شهید محمدرضا الجابری رئیس تشریفات حشد الشعبی در پی حمله پهپادی نیروهای آمریکایی به کاروان آن‌ها در فرودگاه بغداد به شهادت رسیدند.

پیام رهبر انقلاب به مناسبت شهادت سردار سلیمانی



بسم الله الرحمن الرحيم

ملت عزیز ایران! سردار بزرگ و پرافتخار اسلام آسمانی شد. دیشب ارواح طیبه‌ی شهیدان، روح مطهر قاسم سلیمانی را در آغوش گرفتند. سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سال‌ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به

دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت. این شهادت بزرگ را به پیشگاه حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه و به روح مطهر خود او تبریک و به ملت ایران تسلیت عرض می‌کنم. او نمونه‌ی برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود، او همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه‌ی او در همه‌ی این سالیان بود، با رفتن او به حول و قوه‌ی الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد، ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او و دیگر شهدای حادثه‌ی دیشب آلودند. شهید سلیمانی چهره‌ی بین‌المللی مقاومت است و همه‌ی دلبستگان مقاومت خونخواه اویند. همه‌ی دوستان و نیز همه‌ی دشمنان بدانند خط جهاد مقاومت با انگیزه‌ی مضاعف ادامه خواهد یافت و پیروزی قطعی در انتظار مجاهدان این راه مبارک است. فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است، ولی ادامه مبارزه و دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ‌تر خواهد کرد.

ملت ایران یاد و نام شهید عالی‌مقام سردار سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او بویژه مجاهد بزرگ اسلام جناب آقای ابومهدی المهندس را بزرگ خواهد داشت و اینجانب سه روز عزای عمومی در کشور اعلام می‌کنم و به همسر گرامی و فرزندان عزیز و دیگر بستگان ایشان تبریک و تسلیت می‌گویم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳ دی ماه ۱۳۹۸



تشییع پیکر میلیونی سردار سلیمانی در ایران و عراق

مردم قدرشناس و همیشه در صحنه ایران اسلامی پس از شهادت سردار سلیمانی و انجام مراسم تشییع در عراق آماده پذیرایی از فرزند خود شدند. پیکرهای مطهر شهداء ابتدا در شهر اهواز و سپس در شهرهای مشهد، تهران، قم و کرمان را تشییع کردند. طبق برآوردهای انجام شده در این مراسم‌ها در حدود ۲۵ میلیون نفر حضور داشتند و پیکرهای مطهر شهدا را تشییع کردند.



وصیتنامه سردار

سردار سلیمانی نیز مانند همه مسلمانان وصیتنامه داشت، در گوشه‌ای از آن خطاب به همسرش نوشته بود؛ همسرم، من جای قبرم را در گلزار شهدای کرمان مشخص کرده‌ام. قبر من ساده باشد مثل دوستان شهیدم. بر آن کلمه سرباز قاسم سلیمانی بنویسید و نه عبارتهای عنوان دار ...





وصیت نامه شهید سردار قاسم سلیمانی

بسم الله الرحمن الرحيم

شهادت می دهم به اصول دین

اشهد أن لا اله الا الله و اشهد أن محمداً رسول الله و اشهد أن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و اولاده المعصومین اثنی عشر ائمتنا و معصومیننا حجج الله.

شهادت می دهم که قیامت حق است. قرآن حق است. بهشت و جهنم حق است. سؤال و جواب حق است. معاد، عدل، امامت، نبوت حق است.

خدایا! تو را سپاس می گویم به خاطر نعمت های

خداوند! تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته ترین اولیائت را که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم. اگر توفیق صحابه رسول اعظمت محمد مصطفی را نداشتم و اگر بی بهره بودم از دوره مظلومیت علی بن ابیطالب و فرزندان معصوم و مظلومش، مرا در همان راهی قرار دادی که آن ها در همان مسیر، جان خود را که جان جهان و خلقت بود، تقدیم کردند.



خداوند! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه ای عزیز که جانم فدای جان او باد قرار دادی.

پروردگارا! تو را سپاس که مرا با بهترین بندگان در هم آمیختی و درک بوسه بر گونه های بهشتی آنان و استشمام بوی عطر الهی آنان را یعنی مجاهدین و شهدای این راه به من ارزانی داشتی.

خداوند! ای قادر عزیز وای رحمان رزاق، پیشانی شکر شرم بر آستان می سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندان در مذهب تشیع عطر حقیقی اسلام قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی بن ابیطالب و فاطمه اطهر بهره مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت های است؛ نعمتی که در آن نور است، معنویت، بی قراری که در درون خود بالاترین قرارها را دارد، غمی که آرامش و معنویت دارد.

خداوند! تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق

اهل بیت و پیوسته در مسیر پاکی بهره مند نمودی. از تو عاجزانه می خواهم آن ها را در بهشت و با اولیائت قرین کنی و مرا در عالم آخرت از درک محضرشان بهره مند فرما.

خدایا! به عفو تو امید دارم.



ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی همتا! دستم خالی است و کوله پستی سفرم خالی، من بدون برگ و توشه‌ای به امید ضیافتِ عفو و کرم تو می‌آیم. من توشه‌ای برنگرفته‌ام؛ چون فقیر [را] در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برگ؟!

سارق، چارقم پر است از امید به تو و فضل و کرم تو؛ همراه خود دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصورِ مظلوم در چنگ ظالم.

خداوندا! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانم چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت تو است. وقتی آن‌ها را به سمت بلند کردم، وقتی آن‌ها را برای بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ این‌ها ثروت دست من است که امید دارم قبول کرده باشی.

خداوندا! پاهایم سست است. رمق ندارد. جرأت عبور از پلی که از جهنم عبور می‌کند، ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می‌لرزد، وای بر من و صراط تو که از مو نازک‌تر است و از شمشیر برنده‌تر؛ اما یک امیدی به من نوید می‌دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است نجات پیدا کنم. من با این پاها در حرمت پا گذارده‌ام و دور خانه‌ها چرخیده‌ام و در حرم اولیاء در بین الحرمین حسین و عباس آن‌ها را برهنه دواندم و این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به حرمت آن حریم‌ها، آن‌ها را ببخشی .

خداوندا! سر من، عقل من، لب من، شامه من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارحم در همین امید به سر می‌برند.

یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آن‌چنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله!

خدایا! از کاروان دوستانم جامانده‌ام

خداوندا، ای عزیز! من سال‌ها است از کاروانی به جامانده‌ام و پیوسته کسانی را به سوی آن روانه می‌کنم، اما خود جا مانده‌ام، اما تو خود میدانی هرگز نتوانستم آن‌ها را از یاد ببرم. پیوسته یاد آن‌ها، نام آن‌ها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند.

عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن [است] کسی که چهل سال بر درت ایستاده است را نپذیری؟

خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق خود بسوزان و بمیران.

عزیزم! من از بی‌قراری و رسوایی جاماندگی، سر به بیابان‌ها گذارده‌ام؛ من به امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کریم، حبیب، به گرم دل بسته‌ام، تو خود میدانی دوست دارم. خوب میدانی جز تو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن.



خدایا! وحشت همه‌ی وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم، رسوایم نکن. مرا به حرمت کسانی که حرمتشان را بر خودت واجب کرده‌ای، قبل از شکستن حریمی که حرم آن‌ها را خدشه‌دار می‌کند، مرا به قافله‌ای که به سویت آمدند، متصل کن.

معبود من، عشق من و معشوق من، دوست دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آن‌چنان که شایسته تو باشم.

خطاب به برادران و خواهران مجاهدم ...

خواهران و برادران مجاهدم در این عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده‌اید و جان‌ها را بر کف دست گرفته و در بازار عشق‌بازی به سوق فروش آمده‌اید! عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است.

امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص).

برادران و خواهران! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب میدانید منزّه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت‌فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به‌عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به‌عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه‌ی رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. و الله و الله و الله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه حرم رسول‌الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.

خطاب به برادران و خواهران ایرانی ...

برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پر افتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما اینکه شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولیّ فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود بدانید. حرمت او را حرمت مقدسات بدانید.

برادران و خواهران، پدران و مادران، عزیزان من!

جمهوری اسلامی، امروز سربلندترین دوره خود را طی می‌کند. بدانید مهم نیست که دشمن چه نگاهی به شما دارد. دشمن به پیامبر شما چه نگاهی داشت و [دشمنان] چگونه با پیامبر خدا و اولادش عمل کردند، چه اتهاماتی به او زدند، چگونه با فرزندان مطهر او عمل کردند؟ مذمت دشمنان و شماتت آن‌ها و فشار آن‌ها، شما را دچار تفرقه نکند.

بدانید که می‌دانید، مهم‌ترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام، چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌درید؛ آمریکا، چون سگ هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را به پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد. انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد. به این دلیل در هر



دوره هزاران فداکار جان خود را سپر شما و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده‌اند و بزرگ‌ترین قدرت‌های مادی را ذلیل خود نموده‌اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید.

شهدا، محور عزت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه این‌ها به دریای واسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند. آن‌ها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان‌گونه که هستند. فرزندان را با نام آن‌ها و تصاویر آن‌ها آشنا کنید. به فرزندان شهدا که یتیمان همه شما هستند، به چشم ادب و احترام بنگرید. به همسران و پدران و مادران آنان احترام کنید، همان‌گونه که از فرزندان خود با اغماض می‌گذرید، آن‌ها را در نبود پدران، مادران، همسران و فرزندان خود توجه خاص کنید.

نیروهای مسلح خود را که امروز ولیّ فقیه فرمانده آنان است، برای دفاع از خودتان، مذهب‌تان، اسلام و کشور احترام کنید و نیروهای مسلح می‌بایست همانند دفاع از خانه‌ی خود، از ملت و نوامیس و ارضِ آن حفاظت و حمایت و ادب و احترام کنند و نسبت به ملت همان‌گونه که امیرالمؤمنین مولای متقیان فرمود، نیروهای مسلح می‌بایست منشأ عزت ملت باشد و قلعه و پناهگاه مستضعفین و مردم باشد و زینت کشورش باشد.

خطاب به مردم عزیز کرمان ...

نکته‌ای هم خطاب به مردم عزیز کرمان دارم؛ مردمی که دوست داشتنی‌اند و در طول ۸ سال دفاع مقدس بالاترین فداکاری‌ها را انجام دادند و سرداران و مجاهدین بسیار والامقامی را تقدیم اسلام نمودند. من همیشه شرمندۀ آن‌ها هستم. هشت سال به خاطر اسلام به من اعتماد کردند؛ فرزندان خود را در قتلگاه‌ها و جنگ‌های شدیدی، چون کربلای ۵، والفجر ۸، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس و ... روانه کردند و لشکری بزرگ و ارزشمند را به نام و به عشق امام مظلوم حسین بن علی به نام ثارالله، بنیان‌گذاری کردند. این لشکر همچون شمشیری برنده، بارها قلب ملت‌مان و مسلمان‌ها را شاد نمود و غم را از چهره آن‌ها زدود.

عزیزان! من بنا به تقدیر الهی امروز از میان شما رفته‌ام. من شما را از پدر و مادر و فرزندان و خواهران و برادران خود بیشتر دوست دارم، چون با شما بیشتر از آن‌ها بودم؛ ضمن اینکه من پاره تن آن‌ها بودم و آن‌ها پاره وجود من. اما آن‌ها هم قبول کردند من وجودم را نذر وجود شما و ملت ایران کنم.

دوست دارم کرمان همیشه و تا آخر با ولایت بماند. این ولایت، ولایت علی بن ابیطالب است و خیمه او خیمه حسین فاطمه است. دور آن بگردید. با همه شما هستم. میدانید در زندگی به انسانیت و عاطفه‌ها و فطرت‌ها بیشتر از رنگ‌های سیاسی توجه کردم. خطاب من به همه شما است که مرا از خود میدانید، برادر خود و فرزند خود می‌دانید.

وصیت می‌کنم اسلام را در این برهه که تداعی یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید. دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدّسات و ولایت فقیه مطرح می‌شود، این‌ها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.

خطاب به خانواده شهدا ...

فرزندانم، دختران و پسرانم، فرزندان شهدا، پدران و مادران باقیمانده از شهدا، ای چراغ‌های فروزان کشور ما، خواهران و برادران و همسران وفادار و متدین شهدا در این عالم، صوتی که روزانه من می‌شنیدم و مأنوس با آن بودم و همچون صوت قرآن به من آرامش می‌داد و بزرگ‌ترین پشتوانه معنوی خود می‌دانستم، صدای فرزندان شهدا بود



که بعضا روزانه با آن مأنوس بودم؛ صدای پدر و مادر شهدا بود که وجود مادر و پدرم را در وجودشان احساس می کردم.

عزیزانم! تا پیشکسوتان این ملتید، قدر خودتان را بدانید. شهیدتان را در خودتان جلوه گر کنید، به طوری که هر کس شما را می بیند، پدر شهید یا فرزند شهید را، بعینه خود شهید را احساس کند، با همان معنویت، صلابت و خصوصیت.

خواهش می کنم مرا حلال کنید و عفو نمایید. من نتوانستم حق لازم را پیرامون خیلی از شماها و حتی فرزندان شهیدتان اداء کنم، هم استغفار می کنم و هم طلب عفو دارم.

دوست دارم جنازه ام را فرزندان شهدا بر دوش گیرند، شاید به برکت اصابت دستان پاک آن ها بر جسد، خداوند مرا مورد عنایت قرار دهد.

خطاب به سیاسیون کشور ...

نکته ای کوتاه خطاب به سیاسیون کشور دارم: چه آن هایی [که] اصلاح طلب خود را می نامند و چه آن هایی که اصولگرا. آنچه پیوسته در رنج بودم اینکه عموماً ما در دو مقطع، خدا و قرآن و ارزش ها را فراموش می کنیم، بلکه فدا می کنیم. عزیزان، هر رقابتی با هم می کنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره هایتان به نحوی تضعیف کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است. اصول، مطول و مفصل نیست. اصول عبارت از چند اصل مهم است:

۱. اول آن ها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این که نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است که] اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد. من نه میگویم ولایت تنوری و نه میگویم ولایت قانونی؛ هیچ یک از این دو، مشکل وحدت را حل نمی کند؛ ولایت قانونی، خاص عامه مردم اعم از مسلم و غیرمسلمان است، اما ولایت عملی مخصوص مسئولین است که می خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید.
۲. اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است؛ از اخلاق و ارزش ها تا مسئولیت ها؛ چه مسئولیت در قبال ملت و چه در قبال اسلام.
۳. به کارگیری افراد پاکدست و معتقد و خدمتگزار به ملت، نه افرادی که حتی اگر به میز یک دهستان هم برسند خاطره ای خان های سابق را تداعی می کنند.
۴. مقابله با فساد و دوری از فساد و تجمّلات را شیوه خود قرار دهند.
۵. در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود خدمتگزار واقعی، توسعه گر ارزش ها باشد، نه با توجیهات واهی، ارزش ها را بایکوت کند.

مسئولین همانند پدران جامعه می بایست به مسئولیت خود پیرامون تربیت و حراست از جامعه توجه کنند، نه با بی مبالاتی و به خاطر احساسات و جلب برخی از آرا احساسی زودگذر، از اخلاقیاتی حمایت کنند که طلاق و فساد را در جامعه توسعه دهد و خانواده ها را از هم بپاشاند. حکومت ها عامل اصلی در استحکام خانواده و از طرف دیگر



عامل مهم از هم پاشیدن خانواده هستند. اگر به اصول عمل شد، آن وقت همه در مسیر رهبر و انقلاب و جمهوری اسلامی هستند و یک رقابت صحیح بر پایه همین اصول برای انتخاب اصلح صورت می گیرد.

خطاب به برادران سپاهی و ارتشی ...

کلامی کوتاه خطاب به برادران سپاهی عزیز و فداکار و ارتشی های سپاهی دارم: ملاک مسئولیت ها را برای انتخاب فرماندهان، شجاعت و قدرت اداره بحران قرار دهید. طبیعی است به ولایت اشاره نمی کنم، چون ولایت در نیروهای مسلح جز نیست، بلکه اساس بقای نیروهای مسلح است. این شرط خلل ناپذیر می باشد. نکته دیگر، شناخت به موقع از دشمن و اهداف و سیاست های او و اخذ تصمیم به موقع و عمل به موقع؛ هریک از این ها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی شما اثر جدی دارد.

خطاب به علما و مراجع معظم

سخنی کوتاه از یک سرباز ۴۰ ساله در میدان به علمای عظیم الشان و مراجع گران قدر که موجب روشنایی جامعه و سبب زدودن تاریکی ها هستند، خصوصاً مراجع عظام تقلید. سربازان از یک برج دیده بانی، دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزش های آن [که] شما در حوزه ها استخوان خُرد کرده اید و زحمت کشیده اید، از بین می رود. این دوره ها با همه دوره ها متفاوت است. این بار اگر مسلط شدند، از اسلام چیزی باقی نمی ماند. راه صحیح، حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است. نباید در حوادث، دیگران شما را که امید اسلام هستید به ملاحظه ببندازند. همه ی شما امام را دوست داشتید و معتقد به راه او بودید. راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی و مسلمانان تحت ستم استکبار، تحت پرچم ولی فقیه است. من با عقل ناقص خود می دیدم برخی خناسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علما مؤثر در جامعه را با سخنان خود و حالت حق به جانبی به سکوت و ملاحظه بکشانند. حق واضح است؛ جمهوری اسلامی و ارزش ها و ولایت فقیه میراث امام خمینی؟ ره؟ هستند و می بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند. من حضرت آیت الله العظمی خامنه ای را خیلی مظلوم و تنها می بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست و شما حضرات معظم با بیانتان و دیدارهایتان و حمایت هایتان با ایشان می بایست جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید، حتی زمان شاه ملعون هم نخواهد بود، بلکه سعی استکبار بر الحادگری محض و انحراف عمیق غیرقابل برگشت خواهد بود. دست مبارکتان را می بوسم و عذرخواهی می کنم از این بیان، اما دوست داشتم در شرفیابی های حضوری به محضرتان عرض کنم که توفیق حاصل نشد. سربازان و دست بوستان

از همه طلب عفو دارم

از همسایگانم و دوستانم و همکارانم طلب بخشش و عفو دارم. از رزمندگان لشکر ثارالله و نیروی باعظمت قدس که خار چشم دشمن و سدّ راه او است، طلب بخشش و عفو دارم؛ خصوصاً از کسانی که برادرانه به من کمک کردند. نمی توانم از حسین پورجعفری نام نبرم که خیرخواهانه و برادرانه مرا مثل فرزندی کمک می کرد و مثل برادرانم دوستش داشتم. از خانواده ایشان و همه برادران رزمنده و مجاهدم که به زحمت انداختنشان عذرخواهی می کنم.



البته همه برادران نیروی قدس به من محبت برادرانه داشته و کمک کردند و دوست عزیزم سردار قآنی که با صبر و متانت مرا تحمل کردند.





۱۶ دی روز بزرگداشت شهدای دانشجو

جنبش اصیل دانشجویی در زمان دفاع مقدس یا حتی پیش از آن، در دورانی که سراسر ایران اسلامی زیر یوغ استثمار بود، پا گرفت. این جنبش در زمان جنگ، با پیروی از دانشجویانی چون علم الهدی یا استادان بزرگی چون چمران، نقش بزرگی در دفاع از این آب و خاک برعهده گرفت. آنها دانشجویانی بودند که به اصلاح وضعیت عمومی جامعه ایمان داشتند و جان خود را بر سر آرمان های خود گذاشتند.

شانزدهم دی ماه، سالروز شکل گیری حماسه خونین هویزه به دست دانشجویان پیرو خط رهبری و به فرماندهی دانشجوی شهید، سیدحسین علم الهدی است. این دانشجویان رزمنده در سال ۱۳۵۹، عملیاتی را در هویزه و سوسنگرد آغاز کردند و پیروزی های مهمی به دست آوردند. نیروهای اسلام در حالی که تجهیزات نظامی در اختیار نداشتند، تا آخرین قطره خون به دفاع از سرزمین ایران اسلامی پرداختند، مظلومانه به شهادت رسیدند و حماسه هویزه را آفریدند. به پاس تجلیل از رشادت های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، به ویژه شهید علم الهدی، شانزدهم دی، روز «شهدای دانشجو» نام گرفت. حدیث دانشجویان شهید، حکایت عاشقانی است که ندای تاریخی «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي وَ هَلْ مِنْ مُعِينٍ يُعِينُنِي» آموزگار مکتب جهاد و شهادت را لبیک گفتند و جام هستی را به تیرگی شرک، تباهی کفر و سیاهی ستم نیالودند.





حماسه هویزه

در آذر ۱۳۵۹، پس از شکست بیش از دو گردان از نیروهای عراقی در جنوب سوسنگرد به وسیله سربازان اسلام، یک گروهان از برادران سپاه اهواز جهت محافظت و پدافند شهر هویزه، از سوسنگرد به آن شهر اعزام شدند. افراد این گروهان، پس از رسیدن به منطقه و استقرار، عهده دار حفاظت از جنوب تا جنوب غربی شهر هویزه شدند.



نیروهای عراقی در این منطقه متشکل از واحدهای تانک از نوع «تی - ۶۲»، «تی - ۵۵»، موشک‌های زمین به زمین و امکانات نظامی پیشرفته و بیش از ۶ هزار نفر پیاده بودند. ولی همین نیروهای اندک مدافع شهر، از کمترین امکانات دفاعی هم بی بهره بودند.

دشمن در آغاز هجوم سراسری خود، ظرف ۴۸ ساعت از محور هویزه تا کرخه پیشروی کرده و در امتداد آن مستقر شده بود، به طوری که فاصله ی آن ها تا هویزه حدود ۱۰ کیلومتر بود. تاکتیک دشمن این بود، که با تصرف سوسنگرد، هویزه خود به خود سقوط می‌کند.

در چنین شرایطی ۵۰ تا ۶۰ نفر از برادران سپاه برای جلوگیری از پیشروی دشمن مسئولیت مین گذاری جاده‌ها را به عهده گرفتند. زیرا این جاده‌ها و راه‌های عبور، برای دشمن به مانند رگ‌های حیاتی برای ادامه‌ی تجاوز محسوب می‌شد. دو هفته قبل از آن‌که عملیات مدافعان اسلام علیه نیروهای عراقی در این منطقه انجام گیرد، بنی‌صدر دستور تخلیه‌ی هویزه را از برادران بسیج و پاسدار صادر و دستور داد که در سوسنگرد مستقر شدند.

این دستور بنی‌صدر، با مخالفت جدی شهید سید محمد حسین علم‌الهدی و دیگر برادران مواجه شد. بعد از آن که علم‌الهدی با حضرت آیت الله خامنه‌ای تماس گرفت، دستور بنی‌صدر لغو شد و برادران پاسدار در هویزه باقی ماندند. یک هفته بعد، تصمیم بر آن شد که از محور هویزه و سوسنگرد حمله انجام گیرد. این عملیات را می‌توان نقطه‌ی عطف عملیات منظم برادران ارتش و سپاه دانست. بار دیگر بنی‌صدر، شعار جدائی ارتش از سپاه را سر داد و گفت: سپاه نباید در این عملیات شرکت کند. برادران بسیجی و سپاه که در منطقه بوده و اغلب آن‌ها به منطقه آشنایی داشتند، این ترفند بنی‌صدر را ضربه شدیدی بر پیکر عملیات می‌دانستند.

بار دیگر، این مسأله با تلاش برادر علم‌الهدی و تماس‌های مکرر ایشان با مسئولان در تهران، حل شد و قرار شد که سپاه به عنوان پیاده ارتش در عملیات شرکت کند.

۱۵ دی ۱۳۵۹، روز آغاز عملیات بود. برای این عملیات دو تیپ از لشکر ۱۶ زرهی قزوین و یک تیپ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز در نظر گرفته شده بود، که دو گردان از نیروهای سپاه و عده‌ای هم از نیروهای جنگ‌های نامنظم (شهید چمران) نیروهای ارتش را یاری می‌دادند. از جمله هدف‌های این عملیات، پاکسازی شمال و جنوب کرخه کور از وجود نیروهای متجاوز ارتش عراق و آزاد سازی پادگان حمید و منطقه‌ی جفیر بود. نتایج عملیات در این روز موفقیت آمیز بود. اما هنوز عقبه‌های اصلی دشمن در پادگان حمید و سه راهی جفیر آسیب ندیده بود. رزمندگان اسلام، پس از تصرف مرزهای کرخه و حاج بدر، قصد پیشروی به سوی پادگان حمید را داشتند. اما بنا به دلایلی، مانند نرسیدن مهمات، قرار بر این شد که ادامه‌ی عملیات در ۱۶ دی ماه انجام شود.



۱۶ دی ۱۳۵۹، برادران سپاه در جلو تانک‌های ارتش مستقر شده و منتظر دریافت رمز حمله بودند، که رفت و آمد تانک‌های دشمن زیاد شد و پس از آن، هواپیماهای دشمن جهت بمباران ظاهر شدند. از طرف دیگر نیروهای اسلام زیر آتش توپخانه، کاتیوشا و خمپاره قرار گرفتند. با شناخت دقیقی که عراقی‌ها از منطقه داشتند، موجب شهادت عده‌ای از رزمندگان اسلام گردید. لشکر ۹ مکانیزه ارتش عراق دست به عملیات زده بود و چون نیروهای خودی انتظار این حمله را نداشتند، فرماندهی دستور عقب نشینی به طول ۵۰۰ متر را به صورت تاکتیکی صادر کرد. این دستور باعث شد که تانک‌ها عقب نشینی کنند و عراقی‌ها با این تصور که نیروهای اسلام شکست خورده و فرار کرده‌اند، وارد منطقه شدند.

در این ضد حمله‌ی سنگین دشمن که نیروهای ایرانی مجبور به عقب نشینی شدند، بیش از یکصد تن از برادران پاسدار، جهاد و دانشجویان پیرو خط امام از جمله حسین علم الهدی مفقود الاثر و شهید شدند. در پی این حادثه نیروهای دشمن در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۵۹، هویزه را اشغال کردند و پس از آن فرماندهی نیروهای عراقی (خلیل الدوری) دستور داد تعدادی از مردم بی گناه، را دست بسته در یک گودال قرار داده و به شهادت برسانند و سپس عراقی‌ها تمام شهر را با دینامیت و بلدوزر نابود کردند. بدین ترتیب ۱۸۰۰ واحد مسکونی و تجاری و سه مسجد و دو حسینیه و شهر به تپه‌ای خاک مبدل شد.



یادمان شهدای هویزه



اسامی شهدای حماسه‌ی هویزه:

شهید مرتضی کاوند، شهید مجید یوسفیان، شهید امین سلطانی، شهید محمد دلجو، شهید حسین علم الهدی، شهید حسین زارعی، شهید بهروز نوروزی، شهید محمد ابراهیم سمندالدوله، شهید محمدشمخانی، شهید امیر رفیعی، شهید خلیل بهایری، شهید عبدالمحمد چهار محالی، شهید بهروز پور هاشمی، شهید حسین خمیسی، شهید محمد رضاملایی زمانی، شهید محمد حسن رضا زاده، شهید علی اشرف ظاهری، شهید حسن فلاح نژاد، شهید سعید جلالی پور، شهید محمد علی عسکری، شهید جمال دهشور، شهید محمد رضا شمسی زاده، شهید علیرضا رکاب ساز، شهید محمد رضا شیخ الاسلام، شهید اسماعیل حاج کوهمدانی، شهید حسن امینی، شهید محمد بهاءالدین، شهید رمضانعلی آقایی، شهید سلیمان تیتئی، شهید عباسعلی حبیبی، شهید شهید قدوسی، شهید مصطفی مختاری، شهید شهید گمنام، شهید محمد فاضل، شهید عباس افشاری، شهید مجید کریمی ثانی، شهید رضا مستجابی کرمانشاهی، شهید مجید مهدوی، شهید قدیر قدرتی، شهید حسن فتاحی، شهید محمود خالچ زاده، شهید حسین خوشنویسان، شهید امیر حسین جعفری، شهید محمود فروزش، شهید محمد جعفر روزبهانی، شهید شیاو بوغنیمه، شهید محمود قاسمی، شهید علی اصغر فرهنگد فر، شهید مهدی پروانه، شهید محمد حسین رحیمی، شهید سید محمد علی حکیم، شهید حمید شاهید، شهید سید مهدی جعفری، شهید محمد اسماعیل اعتضادی، شهید علی اکبر سیفی ابدی، شهید محمد جواد زاهدیان، شهید محسن غدیریان، شهید امیر احتشام زاده، شهید اکبر حاجی مهدی، شهید اصغر پهلوان نژاد، شهید صادق فروشانی، شهید علی حاتمی، شهید فرخ سلحشور، شهید محمد صادق فروشانی و شهید غفار درویشی.





زندگی نامه‌ی شهید علم الهدی



شهید علم‌الهدی پیشگام دانشجویان پیرو خط امام بود که در هویزه حماسه آفریدند و تا آخرین نفس در مقابل دشمن متجاوز ایستادند و خون پاک خویش را نثار کردند.

سید محمد حسین، فرزند آیت الله حاج سید مرتضی، در هشتم مهر ۱۳۳۷، در اهواز چشم به جهان گشود. از آن جا که فرزند یک خانواده‌ی مذهبی و روحانی بود، از همان کودکی علاقه‌ی وافری به علوم دینی، به ویژه تلاوت قرآن مجید داشت، تا جایی که با گذشت زمانی کوتاه این توانایی را به دست آورد که به تدریس قرآن کریم بپردازد. شور انقلابی و مذهبی وی سبب شد تا از ۱۴ سالگی پا به عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی بگذارد.

فعالیت‌های شهید در زمینه‌ی توسعه‌ی امور فرهنگی، مذهبی و سیاسی تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. تشکیل گروه موحدین با عده‌ای

از دوستان، شروع مبارزه‌ی مسلحانه علیه رژیم طاغوت، تکثیر و پخش اعلامیه‌های امام قدس سره، ایجاد هماهنگی و وحدت بین حوزه و دانشگاه و شرکت در ترور مستشار امریکایی (پل گریم)، بالاترین مقام شرکت نفت در اهواز که سبب ایجاد وحشت بیشتر در دل رژیم و حامیان آن و در نتیجه تداوم اعتصاب در شرکت نفت اهواز شد، از جمله فعالیت‌های شهید علم‌الهدی در دوران قبل از پیروزی بود.

بعد از پیروزی نیز علم‌الهدی منشأ فعالیت‌های مختلفی بود که تأسیس بسیج، مجاهدت در جهاد سازندگی تأسیس سپاه هویزه و شرکت در تسخیر لانه‌ی جاسوسی امریکا همراه با سایر دانشجویان پیرو خط امام از جمله این مجاهدت‌ها می‌باشد. شهید که دانشجوی سال دوم دانشگاه مشهد در رشته‌ی تاریخ بود، با شروع جنگ تحمیلی همراه با گروهی از دانشجویان و نیروهای بسیجی، به سوی جبهه‌های دفاع حق علیه باطل شتافت و در حالی که در حلقه محاصره دشمن در هویزه به اتفاق هم رزمان خود گرفتار شده بود، تا آخرین قطره‌ی خون به دفاع از ایران اسلامی پرداخت و به دیدار پروردگارش نایل آمد.

منبع: سایت تبیان



Jame' of Sheikh Bahae

Internal Magazine of Sheikh Bahae University, Jan 2021

السلام على من سار على بصيرة
وعلمنا ونسبنا إلى خير شجرة
فينا بسلامة الدنيا طير طير